



محل اداره

مجلس شورای ملی

شماره تلفن ۳۰۴۴۸ و ۳۸۸۹۶ و ۳۸۸۹۷ و ۳۸۸۹۸

روزنامه یومیه

بهای اشتراک

فصل اول (مذاکرات مجلسین) - شماره ۳۰۰۰ ریال

فصل دوم (آگهی) - شماره ۶۰۰۰

شماره کامل - شماره ۸۰۰۰

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

سال هفتم

شنبه ۴ مهر ماه ۱۳۰۵

شماره ۱۹۳۶

شماره مسلسل ۱۸۵

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۸۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه هفدهم

شهریور ماه ۱۳۰۵

فهرست مطالب:

۱ - طرح صورت مجلس

۲ - قرائت نامه چند نفر از آقایان نمایندگان راجع بهت عدم

حضور در مجلس

۳ - بیانات آقای نخست وزیر راجع بامور نفت و مطالب دیگر

۴ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ده و سی پنج دقیقه صبح برپاست آقای رضا حکمت

تشکیل گردید.

۱ - طرح صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه پیش

قرائت میشود

(شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه آقایان یوسف

شکرائی ، احمد بهادری ، امامی اهری ،

دولت آبادی ، ناسرقلی اردلان ، جواد

کنجه ، علی اصغر سرسبز زاده ، امیر نصرت

اسکندری ، غلامحسین فراگراو ، دکتر

یوسف مجتهدی ، احمد حبیبیه ، سعید

مهدوی ، محسن طاهری ، علی محمد قسنقری

طباطبائی ، حسین مکی ، الهیار صالح ،

دکتر شایگان ، خزینه علم حکمت

غائبین بی اجازه آقایان حسین

خاکباز ، خسرو قشقائی ، ابوالفضل ثوابت

فتحعلی افشار ، حسن اکبر ، نقی الاسلامی

حبیب پناهی ، سلطان العلماء ، ابوالفضل

حافظی ، ابوالحسن رضوی ، محمد سواد آور

محمد ذوالفقاری ، محمد حسن امیر انشاری

ابوالحسن حکیمی ، صدر میرحسینی

دیر آمده با اجازه آقای

منتصف

دیر آمدهگان بی اجازه آقایان

هراتی ، محمد علی مسعودی ، سناطی

رئیس - آقای آشتیانی زاده نسبت

بصورت مجلس نظری دارید ؟

آشتیانی زاده - بنده بی اطلاع

تقاضا کنیم که تعلق های قبل از دستور از

بیان فرود

رئیس - این مربوط به صورت

مجلس نیست

آشتیانی زاده - الان مشاهده

شد که مشغول فعالیت هستند که تعلق های

قبل از دستور از بین برود

رئیس - آقای اسلامی

آشتیانی - مقصود از این صورت

مجلس کفرائت میشود و اسامی غائبین با

اجازه و بی اجازه خوانده میشود

برای این است که افکار عمومی مردم

مردم و مجلس تشخیص بدهند که کی

حاضر شده و کی حاضر نشده بنده عقیده

دارم که این اسامی اشخاصی که این جا

نوشته شده است که صد نفر در هر روز

حاضر هستند ...

رئیس - این مطالب مربوط بصورت

مجلس نیست

اسلامی - اجازه بفرمائید عرض

کنم که مربوط بصورت مجلس است چون

اسامی که نوشته شده است صد نفر حاضر

هستند این جا الان ۶۵ نفر حاضرند و ۲۵

نفر حاضر نیستند و باید معلوم بشود که

کجا حاضر هستند و اسامی کسانی که حاضر

نیستند قرائت بشود که معلوم شود

رئیس - صورت درست تنظیم شده

است آقای کشاورز صدر

کشاورز صدر - بنده راجع به همین

موضوع که ایشان اظهار کردند احتیاط

نظامنامه ای دارم

رئیس - مطابق چه ماده ای ؟

کشاورز صدر - ماده اش نظرم

نیست

رئیس - اگر نظر این نیست نمیتوانید

صحبت کنید هر وقت نظریان آمدند بفرمائید

کشاورز صدر - این آقایان باید

حاضر شوند کمی در مجلس حاضر شود

مثل سرایان فراری از جنگ است

رئیس - چند نفر از آقایان نمایندگان

شرحی نوشته اند حالا قرائت میشود آقای

فرامرزی

فرامرزی - عرض بنده راجع به

یک حکله است از تعلق آن روزم با نهایت

تأسف می خواهم عرض کنم من این جا عرض

کرده بودم که از این قضیه شاه مملکت

اطلاع داشتند رئیس الوزرا اطلاع داشته

و مردم خیال کرده اند که اینها دشمنانی

در قضیه داشته اند خواستم بگویم که این

قضیه بطوری بوده است که آنها اطلاع

داشته اند ولی الباقی بالله که بنده خواسته

باشم نسبت بمقام شامخی یا حتی بسااعه

چنین استی بندهم

رئیس - آقای رضوی

رضوی - صورت غائبین با اجازه

و بی اجازه که نوشته اند ترکیب است از

افرادی که در تهران حاضرند و در جلسه

نیامده اند یا افرادی که اصلا در تهران

نپورزند و نیامده اند این است که متلابنده

از افرادی بوده ام که در تهران بوده ام و

نیامده ام این جنبه اش دونا است (صحیح

است)

رئیس - شما در تهران نبودید ؟

رضوی - بله

رئیس - تعلق های قبل از دستور را

اگر آقایان موافقت بفرمائید بپنداز دستور

موکول شود (صحیح است) هم در آیین نامه

هست و هم سابقه دارد

اسلامی - اگر بعد از دستور بکنارند

بنده موافقم

(۳) قرائت نامه چند نفر

از آقایان نمایندگان راجع

بهت عدم حضور در مجلس

رئیس - یک شرحی رسیده است

قرائت می شود و بعد هم آقای نخست وزیر

فرمایشی دارند

عین مذاکرات مشروح صد و هشتاد و پنجین جلسه از شانزدهمین دوره قانونگذاری

اداره تندیس و تحریر صورت مجلس

مقام منبع ریاست، مجلس شورای ملی نظر اینکه مظهر اراده ملت ایران بر گزیدهگان ملت می باشد و طبق اصل مصلحت قانون اساسی عقیده بر آنست که باید در محیط آزاد و خالی از ارهاب و تهدید ابراز شود تا بتوانند مصالح عالی کشور را از هر جهت بررسی نمود و مورد شور قرار دهند و از آنجائی که با نهایت نأسف اخیراً این آزادی عمل بکلی از نمایندگان سلب شده و دولت حاضر علاوه بر اظهارات تهدید آمیز که رئیس دولت در جلسه مورخه ۱۳ شهریور ۲۲۰ در مجلس سنا نکرده دست با اقدامات دیگری برای ارهاب و سلب آزادی نمایندگان زده من جمله قطع نامه ای بنام اصناف بازار مبنی بر تعطیل نمایندگان ملت انتشار یافته ما امضا کنندگان زیر بدین وسیله اعلام می داریم تا زمانی که محیط آزاد و خالی از هر گونه ارهاب و تهدید بوجود نیاید از حضور در جلسات مجلس شورای ملی خود دایمی خواهیم نمود - جمال امامی - آزاد - شوشتری - مکرّم - دولت های صفائی - سندجی - همدانیزئی - ابتهاج - تیور تاش - پیراسته - اعظم زنکجه - عباسی

(۳) بیانات آقای نخست وزیر راجع بامور نفت و مطالب دیگر)

رئیس - آقای نخست وزیر را میشی در اید؟ بفرمائید
اسلامی - سابقاً هم در حضرت مجلس معظّمین متعین می شدند
رئیس - این برای شما هم هست بنابراین همیشه اقلیت را محترم بشمارید همین طور صکّه این کار را در جلساتی کردید

نخست وزیر - قبل از شروع در موضوع بیانات خود را از بیانات جناب آقای مشار وزیر است و تشریح راجع جناب آقای فرامرزی نماینده محترم مجلس باید عرض کنم آقای فرامرزی یکی از آن اشخاصی است که در دوره چهاردهم تقبیلش با اینجناب در تمام دوره وقتی در اقلیت بوده همکاری کردند (فرامرزی - همیشه این طور بوده) و در این دوره یکی از آن اشخاصی هستند که پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را امضاء کردند آقای فرامرزی از آن نمایندگان نیستند که برای منافع شخصی خود چیزی از دولتی تقاضا کنند (صاحب است) ایشان از این دولت خواستند که در حوزه انتخابیه ایشان که از هر جهت فاقد وسائل ارتباط است سعی سیم نصب شود که مردم بتوانند مقاصد یعنی احتیاجات خود را بوسیله این سیم رفع کنند و

بآقای مشار دو مرتبه تأکید کردم که این کار چون منافع عمومی دارد باید اقدام کنید ایشان اقدام نکردند و بان بیانات در مجلس شورای ملی مبادرت نمودند این است که بنده از ایشان معذرت می خواهم و نسبت بآن اشخاصی که در مجلس بدولت توهم کرده اند گنّه نمی کنم (احسن است) بیعت اینکه مایمی گوئیم برای کشته شدن حاضرین وقتی که کسی برای کشته شدن حاضر شده باشد دشنام - ضرب و جرح در مراحل اولیه است اگر کسی برای کشته شدن حاضر باشد هرگز نباید از دشنام یک نماینده ای شکایت کند عقیده من این است وزن اشخاص درجه امه بقدر خدمت و مشقتی است که بجامه می کنند (صاحب است) هر قدر که نماینده گان مجلس شورای ملی بشخص من هر قدر اشخاصی بشخص من نقش و دشنام بدهند اهمیت من در این جامعه بیشتر است (صاحب است) من هرگز این اهمیت را برای یک کارهای کوچکی ندانم نمی کنم من از همه خواهانم از آن اشخاصی که با سیاست این دولت موافق نیستند از نفس و جرح و قتل خود داری نکنند بشخص من برای تمام این کارها حاضر من با برابرین هیچ جای گنّه نیست آن اشخاصی که تصور کرده اند دولت از این قبیل حرف ماکتار می رود و دولت را می توانند باغش و دشنام کار کنند تصور بیهوده و باطلی کرده اند من هیچ خیال نداشتم و می خواستم امروز بمجلس بیایم بعضی از نمایندگان محترم بمن تلفن کردند تا آنکریت نشده بمجلس نیامم ولی من آمدم و اکنون هرايش خود را بطور اختصار عرض می میکنم

در این مملکت سه عقیده است اول عقیده هواخواهان سیاست انگلیس بیرون این عقیده می گویند تا دولت انگلیس منافعی از این مملکت نبرد هرگز راضی نمی شود که از استقلال این مملکت دفاع کند باید دولت انگلیس منافعی ببرد تا آن منافعی که از استقلال این مملکت دفاع کند من اینجا سؤال می کنم که دولت انگلیس که با استقلال این مملکت هیچوقت عقیده نداشته حضور می تواند چیزی که عقیده نداشته بنده کند (احسن است) دولت انگلیس همان دولتی است که در قرارداد ۱۹۱۹ وقتی که دولت شوروی از صحنه سیاست این مملکت خارج شد آمد با دولت ایران قرارداد نفت الحاقیه بست این قرارداد در ماده اول می گوید که دولت ایران مستقل است و دولت انگلیس آزادی او را تامین می کند ولی در ماده دوم می گوید قشون این دولت در ماده سوم مابّه این مملکت باید تحت نظارت و تقبیلش دولت انگلیس واقع شود من

آقایان می پرسد یک دولتی که عقیده با استقلال مملکتی داشته باشد چه طور چنین قراردادی را با این دولت منعقد کرده است سرفتنی که ثابت شد که دولت انگلیس عقیده به استقلال این مملکت وسایر ممالک ندارد وقتی که دولت اروپا می خواهند دولتها را از بین و ناتوان و از آنها سوء استفاده کنند چه طور ما می توانیم منعقد بشویم که این دول می خواهند دول مشرق استقلال پیدا کنند یا اگر استقلالی دارند استقلال خود را از دست ندهند این مسئله بکلی مهمه ثابت شده و کسی نیست این مسئله را تصدیق نکند که دول اروپا و دول بزرگ می خواهند ممالک مشرق را استثمار کنند می خواهند در مملکت خود بنشینند راحت زندگانی کنند و مردمان این ممالک را بچاره و ناتوان نمایند (صاحب است) این قضیه بر هر کسی روشن است دیگر من در این باب نمی بايست استدلالی بکنم تمام عهده نامه های قرن نوزدهم ما کمی از این مطالب است که هر وقت بگذرانی در یک چائی در یک معالی بکار خود مشغول بوده در آنجا وارد شده اند و دولت را تسخیر کرده اند بیهی است وقتی که دولت انگلیس متاثر می شود می خواهد از مملکتی ببرد برای اینکار چه باید بکنند

این دولت در همه جا باید از خود مالی بکارد که این منافع تامین شود این عمل در همه جا هستند نمی توانند نباشند اگر شما بفرمائید که در جاهای مورد عمل دولت انگلیس نباشند هیچکس از شما این مطالب را قبول نمی کند حال انگلیس در مجلسین حال انگلیس در دولت حال انگلیس در جامعه و ملت حال انگلیس در دربار همه جا وجود دارند (صاحب است) من می خواهم عرض کنم برای اینکه ذهن شاه جوان بخت مارا مشوب بکنند می دانید چه کرده اند روزی که من در این مجلس متوقف بودم جناب آقای وزیر دربار تشریف آوردند و فرمودند بک وقت بیایم در این مملکت چتر باز بیاید گفتم چتر باز؟ (خنده نمایندگان) چتر باز کجا بیاید؟ عرض کردم آنوقتی که ما مردم از چتر بازی ترسیدیم وقتی بود که دولت ایران را دولت انگلیس آورده بود بدولت می گفت هم خودت بترس هم مردم بیاید بترسند (صاحب است) انگلیس اینقدر جاهل نباشد که در این وضعیت دنیا در این مملکت چتر باز بیاید و بفرمودند مملکت بک وقت جمهوری نشود عرض کرده کی می خواهد جمهوری بکنند فرمودند بشما که نمی گویم یک اشخاص افراطی در اطراف شما هستند ممکن است که آنها مملکت را جمهوری بکنند عرض کردم که بنده از این اشخاص اطلاعی ندارم تصور

است تصدیق نامه من، من بآقای سر لشکر زاهدی گفتم که آقای سر لشکر بقائی بسیار آدم مال اندیش هستند که سی سال قبل از این از من تصدیق گرفته اند (خنده نمایندگان) ایشان رفتند در شهر بانی مشغول کار شدند همه میدانند در روز اول مه عده ای نگران بودند از صلیب بعضی از دستجات که ممکن است وقایعی روی بدهد (صاحب است) و همچنین در روزی که یکمده رژه با دوچرخه دادند باز این نگرانی حاصل بود من بشما مسئولین بوسیله رئیس شهرداری گفتم که شما میبایست بقدر کافی قوه داشته باشید ولی شما نیمیایست شلیک بکنید مگر وقتی که لازم باشد آنهم با اجازه من و بر طبق قانون البته مأمور جرم حق ندارد شلیک کند و این درس را بشود من داده بودند که در دوره چهاردهم موقتی که من را می آوردند باین مجلس یک عده ای نظامی شلیک کردند معلوم نشد برای چه شلیک کردند و شلیک یکی از آنها برای من بود ولی بمن نخورد و گمانه کرد و رفت و خواجه توری در این ایوان ازین سؤال نکرد و چون این مطلب بر من معلوم بود که ارتش ما ممکن است اقبال بشود و مرعوب بشود این بود که من دستور اکید داده بودم هیچکس نیبایست شلیک بکنند مگر اینکه این شلیک با اجازه رئیس شهربانی و البته با اجازه خود من باشد و من در این شهر بودم و رئیس شهربانی با وسایل رادیو و با وسایل بلند گو از همه وقایع مطلع بود و میتوانست بشود من هم بگویم و در صورت لزوم و اگر لازم بود شلیک کند و اشخاصی که برخلاف انتظامات عمل میکردند بجای خود نشانند در روز ۲۳ تیر ماه که آقای سر لشکر بقائی رئیس نظیبه بود از نظر اینکه باز ذهن اعلی حضرت را مشوب نکنند هیچوجه در کار شهربانی دخالت نکردم دستوراً ندادم چیزی نگویم و وقایع روز ۲۳ تیر در این شهر بیان آمد و اکنون که گزارش هیئت تقبیلش مملکت رسیده است در این گزارش گفته شده است که مأمورین شهربانی عده زیادی را مقتول کرده اند مأمورین شهربانی در پرسشهای خود گفت اند سر لشکر بقائی در خانه خود نشسته بود و بوظیفه خود عمل نکرده است من صراحتاً میگویم تا این دولت هست این اشخاصی که برخلاف مقررات برود میکنند شلیک کرده اند باید بمجازات برسند (صاحب است) و اگر این دولت موفق نشود این اشخاص بی ترتیبی این اشخاصی که طبق مقررات و سوابق رفتار نکرده اند بمجازات خود نرسند این مملکت قادر نیست هیچ وجه نظامانی برقرار کند دولت باید همیشه جنبه عدل و عدالت را در نظر بگیرد دولت نباید نگاه کند که این دست موافق دولت است یا آن دسته مخالف دولت است اصلی که فرموده اند الملک بیقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم (صاحب است) و یکی از فلاسفّه اروپا گفته است که فاضلین حقیقی آنهاست مستند که عدالت طلبند و دیگران مثل سبیل هائی هستند که در گذرند تا دولت عدالت را پیشه خود نکنند تا دولت انتظامات را در جامعه برقرار نکند اصلاً دولت مفهومی ندارد و هر چه در تمام مملکت حکم فرمایند و بیکروزی میرسد که ما نمایندگان هم در این مجلس نمیتوانیم یک سکلمه حرف بزنیم شما نمایندگان باید دولت را تقویت کنید باید دولت را کمک و یاری بکنید تا دولت بتواند نظم را در این مملکت برقرار کند (صاحب است) شرکت سابق نفت انگلیس روی همان اصلی که عرض کردم تا دولت انگلیس بهره و منافعه در این مملکت نداشته باشد از این مملکت حمایت نکنند پنجاه سال متصدی معادن نفت جنوب بوده است یعنی صاحب امتیاز بوده شما بروید در دفتر دولت را تقبیلش کنید به بنیاد آبی در این بنجاه سال بقدر عایدات یکسال قبل به این مملکت پرداخته یا نیرداخته و بده تقبیلش کنید و از آن وجه پرداختنی منافع حقیقی ملت استفاده کند بنده نمیخواهم وارد هیچیک از این مسائل شوم بنده عرض میکنم منافع انگلیس در این مملکت بسیار بوده و اکنون هم بسیار هست انگلیس حتی المقننر ولی برخلاف مصلحت نمیخواهد از این منافع صرف نظر بکند یک روز ممکن بود این منافع را انگلیس ببرد که کسی هم میداند نباشد چیزی نگویم و رفیقو هم در مقابل او نباشد و او با کمال آسایش و آسودگی از این مملکت استفاده کند ولی امروز که مردم این مملکت بحقاق مطلع شده اند امروز که مردم مملکت میدانند کار انگلیس چیست امروز که انگلیس در این مملکت رقیب دارد باید سعی کند که استقلال این مملکت محترم شمرده شود (صاحب است) اگر استقلال این مملکت را انگلیس محترم نشمارد از دیگران نمی توانم تقاضا کنیم که استقلال ما را محترم بشمارند (صاحب است) عقیده دوم چون عرض کردم سه عقیده است عقیده دوم مربوط با اشخاصی است که تمایل به ام را چپ دارند این اشخاص چون قادر نیستند که مرام خود را عملی کنند چون افکار مردم با این مرام مخالف است اینها استفاده از افراد چپ دیگران میکنند بنده عرض میکنم که هیچکس حاضر

نیست در این مملکت نفوذی غیر از نفوذ ملت ایران وارد نشود (صاحب است) این مملکت باید بحال خود بیاید (صاحب است) این مملکت باید استقلال خود را در مقابل دول مجاور اعم از بزرگو کوچک حفظ کند (صاحب است) هیچ دولتی حق ندارد مستقیماً یا بوسیله افرادی که مرام او را تبلیغ می کنند در این مملکت دخالت کند (صاحب است) ایران میبایست سیادت و عظمت تاریخی خود را اگر هم قدری از آن از دست رفته بدست بیاورد (صاحب است) ایران هیچوقت حاضر نیست که این دولت بزرگ بنامیک مختصر کمکی بگیرند ایران یک دولت عقب افتاده ای است و باید بدولت ایران کمک کرد (صاحب است) دولت ایران هیچوقت حاضر نمی شود یک چنان اسمی از مال حلال خود مالی که متعلق بخودش است مملکت خود را اداره بکند (صاحب است) عقیده سوم عقیده وطن پرستان ایران است آنها می گویند مملکت ایران عظمت تاریخی خود را حفظ کنند (صاحب است) بیرون این عقیده می گویند دولت ایران هر چه دارد باید در دست خودش باشد (صاحب است) نفت هم یکی از آن چیز هائی است که مال ایران است باید در دست ایران باشد (صاحب است) مراد از دست ایران است که کسی از این عایدات سوء استفاده نکند (صاحب است) کسی بنا حق یک قسمتی از این عایدات را بخود تخصیص ندهد (صاحب است) آقایان محترم میدانند که دولت انگلیس دو پیام بدولت ایران فرستاد و من هیچیک از دو پیام جواب ندادم چرا ندادم برای اینکه اگر من جواب میدادم نظر آنها را قبول میکردم و آنها هم نماینده میفرستادند و نماینده آنها را دست خالی روانه می کردم بنده از این بود که من جواب ندادم البته ما اگر میدادیم که نمایندگان دور انگلیس میبایست اینها و معالیمی در حدود قانون در حدود انصاف و عدل اظهار میکنند چه از این بهتر بود که دولت انگلیس که تاکنون هیچوقت به این مملکت نماینده نفرستاده و حتی شاه این مملکت را بمملکت خود برده به این مملکت نماینده فرستاده و ایران را درمنا کره شده ملت اصلی این مسئله این بود که من یقین نداشتم که دولت انگلیس نماینده ای فرستد یا ما بخوایم از روی حق و عدالت رفتار کند ندانم جواب میدهد که حضرت بیرون رئیس جمهوری آمریکا بیایم من بدهنده مرام فرمایند که جناب آقای هریس را برای ارتباط بین ایران و انگلیس روانه می کنند من به پیام رئیس جمهوری جواب مثبت دادم و میدانم که جناب آقای هریس

یک شخصی است که هیچوقت نمی خواهد شخصیت خود را در جامعه بین المللی ابرین ببرد یک شخصی است که می خواهد با کمال سعادت ارتباط بین ایران و دولت انگلیس برقرار شود ایشان تشریف آوردند و داخل مذاکره نمودند و در میان ما اینها نمایندگان نداشتم که اگر نمایندگان انگلیس بیایند مذاکرات بلا نتیجه خواهد ماند از ایشان تقاضا کردم که یک فورمولی بنویسند که مذاکرات روی آن فورمول آغاز شود و ایشان قبول فرمودند و ما یک فورمولی که مرکب از چهار ماده بود نوشتم دولت انگلیس هم آن فورمول را قبول کرد یکی از مواد آن فورمول این بود که دولت انگلیس ملی شدن صنعت نفت را بدولت ایران اعلام کند همینطور هم شد و بعد از آن انگلیس تشریف آوردند اینجا و بنده از ایران آمدیم این نمایندگان که مذاکرات پرداختند من زائد میدانم بشما عرض کنم که بشما بگویم آقای استوکس ساعت اولی که آمد بود عقاید دیگری داشت وقتی که میرفت عقاید او بکلی تغییر کرد یعنی اشخاصی رفتند با او گفتند پسر عزیز اگر شما چنین کاری بکنید و از این مملکت بروید ما بپریم میشویم (بعضی از نمایندگان - خاک بر سر شان) شما در این مملکت بیایید و از ما صاحبی بکنید من این مطالب را هرگز نمیخوانم در مجلس شورای ملی ایران عرض بکنم برای اینکه ممکن بود بگویند که این مطلب خلاف واقع است ولی همین چیزی که در برون از انگلیس رسیده و برای شما قرائت می کنم در لندن انگلستان در انتر و اصول گزارشانی از تهران داور باینکه محافل سیاسی ایران مقاومت بیشتری در مقابل سیاست آقای دستگیر مصدق نشان میدهند روش خود را نسبت با آقای دستگیر مصدق خشن تر کرده است این چیزی است که از لندن رسیده است و میدوام که قبول فرمائید که این مثل (نص) حدیث است و تردید ندارد (خنده نمایندگان) جناب آقای استوکس در نتیجه اعمال نفوذ همان اشخاصی که عقیده داشتند که اگر ایشان موفق نشود بی صاحب می شوند (در این موقع یاد داشتی با آقای نخست وزیر رسید)

مکی - این خبر دیشب را در لندن است که خیر داده است که فردا نمایندگان در مجلس حاضر نخواهند شد

اسلامی - استوکس خودش در همین باغچه با این موضوع اقرار کرد

نخست وزیر - خیر این است وزارت امور خارجه انگلستان ریگانه امیدش بسته بان است که نمایندگان شورای ملی از دولت آقای دستگیر مصدق در مورد ارسال اوتوماتوم با انگلستان پشتیبانی نشانند چنانکه در جلسه روز شنبه پیش از ۲۸ تفر

در جلسه حاضر نشدن در صورتی که حداقل عده از برای تشکیل جلسه ۶۴ نفر میباشد.

مکی - انگلیسی اینرا هم در آبادان منتشر کردند.

اردلان - ما برای تکذیب همین خبر در این جلسه شرکت کردیم.

نخست وزیر - جناب استو کس ۸ ماده بدولت پیشنهاد کردند که من نمی خواهم در جزئیات آن ۸ ماده وارد شوم چون ۸ ماده را روز نامه های آمریکا توضیح و تفسیر کرده اند و بنده با توضیحات آنها نمی خواهم در این مجلس موجب تصدیق آقایان را فراهم کنم اما آنچه را که خود ایشان بیان میفرمودند بطور خلاصه عرض می کنم ایشان می فرمودند که شرکت نفت انگلیس و ایران در ایران وجود ندارد بسیار خوب خیلی متشکریم ولی آن شرکت خارجی یعنی همین شرکت نفت انگلیس و ایران که در خارج هست می خواهد مقدار مهمی نفت از این مملکت خریداری کند بسیار خوب اینهم خیلی خوب چیزی است هر کسی موافق است مگر آقایان مخالفند که آن شرکت از منافعت بهره (نمایندگان - تغییر) بعد گفتند مدت این معامله ۲۵ سال باشد بسیار خوب برای بنده این ابعاد اهمیت ندارد بکنایه مدت معامله ۲۵ سال باشد چون هر سال ما نفت را بشرخ بین المللی می فروشیم چه اهمیتی دارد که دولت انگلیس که دوست ماست دولت انگلیس که سالها با ما لاف دوستی میزند ۲۵ سال از نفت ما منتفع بشود ۳۰ سال بشود چه اشکالی دارد وقتی که نرخ بین المللی روز باشد هر چه باشد بعد گفتند که آن شرکت خارجی که این مقدار نفت را میخورد باید اطمینان داشته باشد که این مقدار نفت مقدار نفت را میخورد باید اطمینان داشته باشد که این مقدار نفت مقدار نفت باو برسد گفتیم خوب چکار کنیم بله؟ گفت آن شرکت خارجی باید يك آزانس اینجا داشته باشد یا بطور قطع يك مدیر انگلیسی داشته باشد که هدایت شرکت را اداره بکند بهمان اینکه شرکت هدایتش تمام شد صورت حسابها بر شرکت ملی نفت بدهد و پنجاه درصد از منافع این شرکت را برای هدایت خودش بردارد بنده گفتیم آقا وقتیکه قرار داد وتوق العوله منعقد شد (ایشان نگفتیم پیش خود اینطور فکر کردم) که در قرارداد وتوق العوله هم در ماده اول استقلال ایران را تضمین می کرد ولی در ماده دوم و سوم ارتش و مالیه ایران را در تحت نظارت مستشاران انگلیسی قرار داده بود که قرارداد مزبور بواسطه مخالفت صریح ملت ایران و ورود دولت شوروی در صحنه سیاست این کشور که لغو مطالبات خود را بابت یوتیلایسین را قبول نمود و وجهه فوق العاده پیدا کرد از بین رفت در این وقت من مجبورم که این مجلس تشکرات دولت ایران را از امریکا بکنم که در آن موقع لایتنیک

مذاکرات مجلس شورای ملی

ک وزیر مختار دولت امریکا در ایران بود آزاد بخوانان را تقویت کرد تا آنکه قرارداد انگلیس اجرا نشود البته قرارداد انگلیس را کسی نرفت که امضایش را بکشد قرارداد بود که توفیق العوله و کس امضاء کرده بودند اما امضای مملکت و مقتضیات مملکت بچوپه اجازه نمی داد که این قرارداد اجرا بشود وقتیکه من در فرانس بودم آقای سیدضیاء الدین تنکراف کرد که من این قرارداد را نفی کردم مازروم یک قنصل انگلیس که با من بسیار دوست بود گفت که در انگلستان يك ضرب المثلی هست که می گویند بگره مرده کسی خوب نمیزند این قرارداد مرده است دیگر احتیاجی به خوب زدن نیست این قرارداد از بین رفته بود ولی باز همان اشغالی که تصور میکردند که اگر قرار داد انگلیس از بین برود بر صاحب و بی پدر می شوند رفتند و بدولت انگلیس گفتند که شما قرارداد را چرا آوردید؟ این قرارداد که نشون ایران در نظارت انگلیس است البته مردم با آن مخالفند و مردمی می شود شما نباید اسمی از قرارداد بیاورید ولی خودش را بیاورید و این مسئله سبب شد که در این مملکت کودتا بشود (آشتیانی زاده - الی شهبوز) آقای استو کس هم بخوایند نامتاز را برقرار کنند بدون اینکه اسمی از آن ببرند من از ایشان پرسیدم که کار این شرکت ملی نفت چیست؟ وقتیکه شاید مقدار زیادی نفت بخرید و وقتیکه شما برای مدت ۲۵ سال نفت می برید و وقتیکه شما يك آزانس اینجا برقرار بکنید که تمام کارهای نفت را بکنید در حکم امتیاز است ایشان گفتند شرکت ملی نفت مثل چتری میباشد که سببه روی این تشکیلات می اندازد (خنده نمایندگان) خلاصه پیشنهادات جناب آقای استو کس قابل قبول نبود (صحیح است) و بعد چون دیدند آنها نمی توانستند و ایشان تلقین کرده اند که این پیشنهادات را بدهند در جامعه نفوذ کلام و تأثیری ندارد ایشان پیشنهاد خود را مسترد کردند و بعد روزهای آخر بنده ایشان عرض کردم که آقا ما با شما بوجوب فرمولی که مطرحین موافقت کرده ایم در سه موضوع می توانیم داخل در مذاکره فرماییم یکی مستخدمین و متخصصین انگلیسی است دیگری قضیه خسارت و ضرر کیانی و سومی منفعتی که شما می خواهید از این کار ببرید در موضوع اول که متخصصین انگلیسی باشد شرکت نفت يك تشکیلاتی در سابق داشته است تشکیلات سابق شرکت نفت بشعب و اداراتی منقسم میشد رئیس اداره یا رئیس هر شعبه که انگلیسی بود با نهایت قدرت و اقتدار میتوانست اداره خودش را اداره کند ما هم بآن رئیس همان که متخصصین انگلیسی باشکرت سابق نقط امضاء کرده اند امضاء می کنیم در این صورت جای نگرانی نیست که شما بفرمایید متخصصین

مذاکرات مجلس شورای ملی

انگلیسی زیر بار ریاست ایرانی نمیروند در هر شعبه ایرانی هست انگلیسی هست متخصصین انگلیسی در تحت نظارت يك رئیس انگلیسی هستند بعد ایشان گفتند همان در سالی شب نمی خواهند زیر بار يك مدیر عامل ایرانی بروند من ایشان عرض کردم که ممکن است که ما اینکار را بیک صورت دیگری درست کنیم و آن اینست که در هیئت مدیره شرکت ملی نفت وقتی که اساتنامه شرکت ملی نفت نوشته می شود پیش بینی کنیم که در هیئت مدیره سه نفر از متخصصین بین المللی اروپا باشد از آنها می شود توجه دول دمکرات هستند و وارد در هیئت مدیره بشوند و آنوقت متخصصین انگلیسی نمیگویند که ما زیر بار ایرانی نمیرویم و يك متخصصین بین المللی رئیس این هیئت مدیره بشود و اینها مطالب و مذاکرات و پیشنهادات خود را بآن مدیر شرکت که یکی از متخصصین بین المللی است بدهند فرمودند که این متخصصین انگلیسی است بدهند فرمودند که این متخصصین انگلیسی است که در تحت ریاست يك غیر انگلیسی باشند من ایشان عرض کردم حالا این مسئله را ممکن است معوق بگذارید.

روی دو مطلب دیگر که قضیه خسارت و دیگری قضیه منفعت است مذاکره بکنیم اگر آن دو مسئله حل شد این مسئله سوم را من حاضریم بیک صورتی که موافقت حاصل بشود حل کنیم ایشان فرمودند که من از دولت خود اجازه ندارم که تا قضیه اول حل نشده وارد مذاکره وحل دو قضیه دیگر بشوم منم ایشان عرض کردم مسلم نمیتوانیم ملت ایران مجلس شورای ملی دولت همه خواهانند که شما اینها بمانید و قضیه نفت حل بشود وقتی که شما بفرمایید از دولت خودتان اجازه ندارید من نمی توانم که شما را مجبور باقامت بکنم شما مختارید فرمودند که من میروم ولی مذاکرات معاق بگذارند برای این که آن کالاهای ضروری که باید بازار بقیه رسی معامله شود از قبیل قند و شکر قماش بلا محل نشود آقایان نمایندگان معترض مجلس شورای ملی با پیشنهاد دولت موافقت فرمودند و من باید تشکرات خود را از این مسأله عرض کنم و باستحضار آقایان برسانم که موجودی لیره از آن تاریخ فقط ۱۲ میلیون لیره است و ما بیایست برای کالاهای ضروری از آن لیره استفاده کنیم و کالاهای درجه دوم را البته معقول بکنیم لیره معای صادرانی که اکنون هم لیره صادراتی خیلی کم است بدیهی است دولت انگلیس به اتفاق امور بهتر و بیشتر از ما در این مملکت مطلع است او رسیده است آنها تصمیم دارند که دولت دیگری بیاورند تا بتوانند با آن دولت قراردادی که مطلوبشان هست منعقد کنند بنده خدا را به شهادت می طلبم که این مسئله اگر برای مملکت و برای استقلال ما مضر نبود از آمدن دولت دیگر ابدأ

مذاکرات مجلس شورای ملی

۲۰ میلیون لیره شما بدهم بابت این لیره ما را بگیری چرا از این دولت پشتیبانی می کنید آنوقت در یک چنین صورتی می آید و قرار داد خود را تعیین میکنند این است که بنده از نظر این که چنین روزی پیش نیاید دولت و ملت ایران بزانو در نیاید بطوری که در جلسه مجلس سنا پیشنهاد کردم قائل شدم باینکه بدولت انگلیس بطرز غیر مستقیم یعنی بوسیله جناب آقای هرین که رابطه بین دولتی بود اعلام کنم اگر تا سه روز دیگر شما نیاید مطابق عدالت و نصرت آن چه را که لازم است تمام کنید دولت ایران باقامت متخصصین انگلیسی در ایران خانه می دهد (نمایندگان - صحیح است) یعنی جواز اقامت این اشخاص را باطل میکند (نمایندگان - صحیح است) و دلیل آنهم این است که نام متخصصین انگلیسی در اینجا هستند ما خودمان قدرت نمی کنیم که بی جهت يك متخصصینی با مخارج زیاد از ممالک دیگر بیاوریم و يك مخارج زیادی بکنیم چون يك متخصصینی هستند که تمام ممالک دنیا پیشنهاد میکنند از تمام جهات پیشنهاد کنند و داده اند و از خیلی ممالک هم پیشنهاد خریدند و داده اند ولی البته هیچکس نمی خواهد که پیشنهادی بدهد و وارد عمل بشود مادام که مطمئن نیست دولت ایران می تواند با آنها تقی بدهد و تا متخصصین انگلیسی در اینجا هستند ما نمی توانیم متخصصین دیگری را استخدام کنیم و تا این متخصصین انگلیسی هستند ممالک دیگر نمی آید تا ما معامله کنند مطابق اخباری که دیشب داشتم شرکت سابق نفت انگلیس بدینا اعلام کرده این نفتی که در ذخیره ایران است مال من است و هر کس که این نفت را ببرد من او را تعقیب می کنم این نفت مال من است و متخصصین انگلیسی بر حسب مقررات دادگاه بین المللی لاهه که اصلاً با صلاحیت آن اعتراض کردیم و هیچ چیزی هم نگفته است باید در مملکت ایران باقی باشد بنده این هرايش را با شرح و بسط بسم آقایان معترض برسانم که اگر رأی می دهید نفرمایید که این دولت توضیحات لازم را نداده و آقایان نمایندگان معترض را روشن نکرده اند و آقایان معترض رأی که داده اند بدون مصالحه بوده است این بود که خواستم تمام این جریانها بر عرض آقایان برسانم در اینجا یکی از آقایان نمایندگان می نویسند صفحه انگلستان بگردد ما را ببردن متخصصین تهدید میکند و حالا بمانند نشان تهدید میکند (خنده نمایندگان) بنده هیچوقت نمی خواهم عرض کنم که این دولت در اتخاذ تصمیم مسامحه می کند تردید نداشته باشید ولی عقیده ما این است مادامیکه متخصصین انگلیس در این مملکت هستند اول میگوئیم

مذاکرات مجلس شورای ملی

دولت انگلیس اگر نفت می خواهی بیا ما ما معامله کن اگر کیانی ضرر کرد خسارت می خواهد ما با سه طریق حاضر هستیم که خسارت کیانی را رفع و جبران کنیم يك طریق این است که از روی قیمت سهام خود کیانی بجهت اینکه سهام هر شرکت نماند سرمایه آن شرکت است سهام هر شرکتی که در هر جا بهر مبلغ که فروش می رود نماینده سرمایه شرکت است بنا بر این یکی از روی سهام و دیگر از روی هرفانونی که در تمام دنیا برای ملی شدن صنعت نفت وضع شده و آن قانون بهالشرکت مفیدتر است اهم از این که آن قانون انگلیسی باشد یا در نزول یا در مرکز يك یا در سایر جاهانی که آمده اند و يك چیزهایی را ملی کرده اند قیمت سوم هم این است که ما با هم دوست هستیم ما که دوست هدیکر هستیم ما ۵۰ سال با هم روابط داشته ایم با هم می نشینیم و این مسائل را جمع فراموش شما و راجع به مطالبات دولت ایران را از شما دوستانه حل می کنیم و باین سه طریق هم حاضریم اما راجع بنفت بنده می گویم وقتی که دولتی نفت خودش را بقیه بین المللی در خلیج فارس بفروشد وقتی که دولت ایران تمام مخارج بهره برداری را خودش بپردازد مطالبه دولت انگلیس از این منافع يك باقی است که در قرن ۱۸ و ۱۹ دول اروپا از دول خراجگذار بگرفته اند (نمایندگان - صحیح است) اکنون اجازه می خواهم آن چند صفحه ای که برای اینکار تهیه شده بود و در مجلس سنا هم قرائت شد در اینجا قرائت کنم

در جلسه مورخ سیام مرداد ۱۳۲۰ در مجلس سنا و سپس در مجلس شورای ملی جریان مذاکرات با هیئت نمایندگان انگلستان مشروحاً بعرض آقایان نمایندگان معترض رسید و اقدامات دولت مورد تأیید مجلسین قرار گرفت پس از آن جناب استو کس و هیئت نمایندگان انگلستان در تاریخ ۲۱ مرداد و جناب هرین در تاریخ اول شهریور از تهران حرکت کردند و مذاکرات بدون آنکه رسماً قطع شده باشد متوقف گردید.

اینکه دولت لازم می داند در قبال این پیش آمد نظریات و تصدیقات خود را بعرض آقایان نمایندگان معترض مجلس سنا و مجلس شورای ملی برساند و با تصویب مجلسین در اجرای آن اقدام کند تا این امر حیاتی بیش از این دچار وقفه و تعطیل نباشد.

بطوریکه نمایندگان معترض استحضار دارند روز دوشنبه سی و یکم تیرماه ۱۳۲۰ در جلسه مشترك هیئت وزیران و هیئت مختلط فورمول ذیل اتخاذ گردید و عصر همانروز با آقای هرین تسلیم شد و بواسطه ایشان

مورد قبول دولت انگلیس واقع گردید اینک متن فورمول «در صورتیکه دولت انگلیس و دولت طرف شرق در ضمن صنعت نفت در ایران با شتابند دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس و دولت طرف غرب مذاکره نماید»

(۱) دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان بهران موافقت خود را بقرارات از طرف شرکت سابق با عمل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید

(۲) مقصود از اصل ملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی تصویب شده و در قانون مورخ ۲۹ اسفند ماه ۲۹ تأیید گردیده است و متن آن ذیل درج میشود «بنام سعادت ملت ایران و به منظور کمک بتأمین صلح جهان امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد می نمایند صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد»

(۳) در موقع مذاکره با آقای هرین عین تعریف اصل ملی شدن صنعت نفت در ماده فوق اطلاع ایشان برسد تا بعد از سه تفاهمی در مذاکرات حاصل نشود و نیز با داشتنی را که نمایندگان شرکت سابق راجع بقرمز قبول اصل ملی شدن صنعت نفت بدولت ایران داده اند و مورد قبول واقع نشده به اطلاع ایشان برسانند

(۴) دولت ایران حاضر گردید راجع بضررته اجرای قانون تا آنجا که مربوط به منافع انگلیس است وارد مذاکره شود بطور خلاصه در نتیجه فورمول فوق از طرف دولت انگلستان و کالت از شرکت سابق نفت و از طرف خود اصل ملی شدن صنعت نفت را باین کیفیت که تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری در دست دولت باشد برسمت شناخت و از طرف دیگر دولت ایران حاضر گردید راجع به طریق اجرای قانون تا آنجا که مربوط به منافع انگلیس است با آن دولت وارد مذاکره شود.

چون بر طبق قانون فورمولی که مورد توافق طرفین واقع شده است تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری باید در دست دولت باشد دولت ایران حاضر نیست در این امور مداخلات سازمانهای خارجی را قبول نماید ولی برای آنکه اندازه و سازمان شرکت نفت ملی ایران از هر جهت مورد اعتماد و اطمینان مشتریان نفت و کار شناسان و متخصصین خارجی که در خدمت دولت ایران باقی خواهند ماند بشود در توافق حاصل شود

ولکن مطالب دیگری را که هیئت نمایندگان انگلستان در ضمن پیشنهادهای خود اظهار کرده بودند از قبیل:

- ۱) استخدام کارشناسان انگلیسی بصورت قرارداد دسته جمعی
- ۲) تأسیس يك سازمان عامل خارجی با اعطای اختیارات تام بیک مدیر عامل انگلیسی
- ۳) انحصار فروش نفت جنوب ایران به يك شرکت انگلیسی
- ۴) دادن تخفیفی در قیمت نفت که معادل با سود شرکت ملی نفت ایران باشد.

بهیچوجه برای دولت ایران قابل قبول نبوده و نسبت یکی دیگر از پیشنهاد های آقای استوکس این بود که حمل و نقل نفت جنوب ایران برعهده شرکتی باشد که ایشان پیشنهاد میکنند بدیهی است آن مقدار نفتی که بانگلستان فروخته میشود هر کتی که حواله کنند تعویل داده خواهد شد و نیز چنانچه سایر کشورهای خریدار نفت از ایران سهم خود را حواله نمایند ممکن است نفت خریداری شده آنها نیز تعویل آن شرکت گردد در آخرین جلسه مذاکرات با هیئت نمایندگان انگلستان دولت ایران اصول نظریات خود را با آقای استوکس تسلیم کرد و پس از آن لازم نمی دانست پیشنهاد دیگری بنماید ولی چون تاخیر در این امر سبب خواهد شد که حال کیانی سابق نفت سوء استفاده کنند و برای آنکه دولت ایران را در نتیجه عدم تولید و فروش نفت گرفتار مضیقہ مالی نمایند و حاضر نشوند باین زودی داخل در مذاکره کردند دولت ایران در نظر دارد بر طبق نظریاتی که فوقاً بمرض رسیده پیشنهاد نماید که در ظرف دو هفته از تاریخ

پیشنهاد برای مذاکره حاضر شوند و بنا چنانچه نظریات و پیشنهادهای متقابلی دارند اظهار نمایند پس از انقضای مدت مذکور چنانچه جواب رضایت بخشی نرسد جواز اقامت کارشناسان انگلیسی در ایران نخواهد گردید.

دولت ایران پیش از این نمی تواند تأمل و برداری کند.

البته تصدیق میفرمائید تا زمانیکه کارمندان شرکت سابق نفت باین وضع در خاک ایران باقی هستند متخصصین کشور های دیگر حاضر بخدمت در ایران نخواهند شد و مادمی که کشور های دیگر اطینان حاصل نمایند که بساط کیانی سابق بطور قطع در ایران برچیده شده و دولت ایران مسلط بر اداره امور نفت خود می باشد پیشنهاد خرید نفت هر ضه نخواهند نمود و دولت ایران پیش از این نمیتواند تحمل و برداری کند و نیز لازم است بمرض برساند که بعد از اظهار نظریات در مجلس سنا از یکی از هوطنان پیشنهادی رسید چون بکفتری جالب است عرض کنم باین مضمون که ممکن است معترف کنندگان نفت در سه ساله اخیر يك شرکت بین المللی که دولت ایران هم در آن سهم و شریک باشد تشکیل دهند حمل و توزیع نفت مصرفی آنها بعهده شرکت مزبور واگذار شود که دولت در تأسیس يك چنین شرکتی اشکال نمی بیند.

در خاتمه بمرض آقایان نمایندگان محترم میسرانم که دولت در این نظری که اظهار نمود بتمام معنی اعتماد و ایمان دارد و این تصمیم دولت باید اجرا بشود و چنانچه نمایندگان گانی که نمی خواهند کار شرکت سابق هاتمه پیدا کند و امروز در مجلس حاضر نشده اند این عدم حضور آقایان مانع از اجرای تصمیم دولت نیست (نمایندگان -

صحيح است) دولت فردا درصدد اجرای تصمیم خود برمیآید (نمایندگان - صحيح است) و چنانچه نمایندگان قاضی تصور می کنند که پیشنهاد دولت برخلاف مصالح مملکت است چه بانک از این دارند که در جلسه دیگر حاضر بشوند و بمجلس اظهار بکنند و ما بیائیم در این جا نقاضای رأی اعتماد بکنیم و آنها رأی اعتماد ندهند (نمایندگان - صحيح است) در خاتمه بجانب آقای رئیس مجلس عرض می کنم که شما يك شخصی بودید که از اول خود را با آزادی خواهی بمرم معرفی کرده اید و بیچوقت حاضر نشوید پرده پوشی کنید بفرمائید اسامی آن اشخاصی که امروز در مجلس حاضر شده اند بلافاصله در روزنامه ها منتشر کنند

(۴- تعیین موقع و دستور

جلسه بعد - ختم جلسه)

رئیس - يك عده اشخاصی بودند که اینجا خودشان نوشته اند حاضر نمی شوند و يك عده دیگر هم هستند که بواسطه کسالت نتوانسته اند حاضر شوند و اجازه خواسته اند و بنده تصور می کنم چون عده برای رأی کافی نیست (مکی - رأی نخواستند گفتند که من نظر دولت را اجرا می کنم) اجازه بفرمائید برای کارهای جاری محتاج برای هستیم الان اولین چیزی که در دستور داریم لایحه ای است با قید دو فوریت که آقای وزیر کار داده اند راجع بسلولین و مطرح هم شده است و احتیاج برای دارد و همچنین يك طرحی است که آقایان با قید دو فوریت داده اند که باز برای منتهی می شود سه موضوع در دستور است که هر سه موضوع هم محتاج برای است که باید رأی گرفت و آقایان هم قبل از دستور ثبت نام کرده اند که گفته شد بماند برای بعد از دستور اگر موضوعی که محتاج برای باشد مطرح کنیم ممکن است عملی نشود

پس آقایان اگر موافقت آقایانی که برای تسلل از دستور اجازه خواسته اند صحبت کنند (آشتیانی زاده - اجازه بفرمائید آقای رئیس نطق بعد از دستور) آقای ملک مدنی بفرمائید

ملک مدنی - حضرت عالی همانطور که جناب آقای نخست وزیر فرمودند همیشه طرفداری از آزادی می کنید و در این شیخ تریشی نیست و برای این که معلوم شود که چه اشخاصی امروز در مجلس حاضر شده اند و خواستند با افکار عمومی و منافع کشور مخالفت کنند و حاضر نشدند موافقت خودشانرا ابراز کنند آقا بفرمائید اسامی آنها را بخوانند تا آنها را که امروز در مجلس حاضر شده اند اسامی آنها روشن بشود

رئیس - آقا خودتان دوره های متعدی در مجلس بوده اید میدانید که کیل هر وقت نخواهد بمجلس بیاید آزاد است و اگر هم میخواهد بیاید باز آزاد است در مجلس دوره پیش اقلیتی بود که ۸ نفر بودند و حالا هم يك عده ای نوشته اند که ما نمی آئیم البته و کیل را نمی شود مجبور کرد (اسلامی - مردم خیال می کنند که ۳۰ نفر هستند در صورتی که ۱۰ نفر بیشتر نیستند) آقا این عده که اسامی آنها خوانده شد گفته اند که حاضر نمی شوند و عده دیگری هستند که بواسطه کسالت حاضر نشده اند و صورت آنها هم تهیه شده و می گذاریم در جلسه خصوصی روی میز که آقایان ملاحظه کنند و بنده تصور می کنم چون وقت گذشته آقایانی که ثبت نام کرده اند که قبل از دستور مذاکراتی بکنند نوبت آنها محفوظ بماند برای روز ۵ شنبه (صحيح است) و روز ۵ شنبه هم جلسه باشد (صحيح است)

(مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت